

تبیین راهبردهای موجود در خصوص جلوگیری از ورشکستگی شرکت‌ها در لایحه تجارت و حقوق فرانسه

امیرعباس علاءالدینی*، علیرضا آذربایجانی**

چکیده

ورشکستگی شرکت‌های تجاری نه تنها یک شرکت بلکه اقتصاد یک کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این راستا برخی کشورها از جمله کشور فرانسه درصدد جلوگیری از ورشکستگی شرکت‌ها با راهکارهای مختلف برآمدند. این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی ضمن بررسی راهبردهای موجود در خصوص جلوگیری از ورشکستگی شرکت‌ها در لایحه تجارت ایران و حقوق فرانسه، با ارائه آمار، اهمیت این دسته از مقررات را در جلوگیری از بروز ورشکستگی در فرانسه نمایان می‌سازد. در کشور ما نیز به دلیل احساس این نیاز در لایحه تجارت مصوب ۱۳۸۴ راهکارهای مناسبی برای این منظور در نظر گرفته شده بود که متأسفانه در سال ۱۳۹۱ حذف گردید و پیشنهاد می‌شود که در جهت تدوین مقرراتی در این باب گام شایسته برداشته شود، چراکه وجود این قواعد به شرکت‌ها و مدیرانی که در عرصه تجارت به سبب فراز و نشیب‌های بازار به موفقیت نرسیده‌اند، امکان تلاش مجدد برای احیاء مجموعه خود را می‌دهد، که نتیجه آن جلوگیری ورشکستگی و تبعات منفی آن برای اقتصاد کشور خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: جلوگیری از ورشکستگی؛ بازسازی؛ لایحه تجارت؛ حقوق فرانسه.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۲۰، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۴/۰۹
* دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی (نویسنده مسئول).

E-mail: amirabbas_alaedini@yahoo.com

** استادیار، دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

می‌دانیم قاضی محکمه، در جریان رسیدگی به توقف تجار بایستی قواعد ورشکستگی را اعمال نماید و این قواعد بعضاً در کشورها متفاوت است [۱۶]. در همین راستا مسئولان کشور به دلیل احساس نقایصی در قانون تجارت فعلی، طی تدوین لایحه‌ای دست به تغییراتی عمده در آن زده‌اند. اصلاح قانون تجارت به‌ویژه در بخش شرکت‌های تجاری و ورشکستگی آن‌ها از دغدغه‌های حقوقدانان و صاحبان تجارت بوده است. با دگرگونی‌های غیرقابل اجتناب در این حوزه در سایر کشورها و حرکت جامعه اروپا به سوی یکسان‌سازی مقررات حقوق شرکت‌ها از طریق دستورالعمل‌های الزام‌آور برای دولت‌های عضو و نیز با جهانی‌شدن اقتصاد و گسترش رقابت از طریق توسعه شبکه توزیع با تأسیس شعبه شرکت در سایر کشورها ضمن تحول سریع این بخش از حقوق در کشورهای توسعه‌یافته، اقدام به‌موقع مسئولان ذی‌ربط را می‌طلبد. در همین راستا تصمیم دولت در توجه به این ضرورت گامی بلند در تحقق این هدف است که درنهایت در قالب لایحه قانونی دولت تهیه و تسلیم مجلس شد. بر این اساس هیئت‌وزیران در تاریخ ۸۱/۳/۳۱ به‌موجب مصوبه‌ای مقرر نمود که قانون تجارت «برای تسهیل شرایط ادغام شرکت‌ها، تشکیل شرکت‌های مادر گروه شرکت‌ها و کنسرسیوم‌ها، همچنین تسهیل شرایط برای انحلال شرکت‌ها» مورد بازبینی قرار گیرد. با این حال به‌موجب اصلاحیه بعدی حوزه بازبینی متأسفانه به‌کل قانون تجارت گسترش یافت^۱ که به‌رغم ضرورت تصمیم‌گیری سریع و البته عالمانه، هنوز به تصویب مجلس نرسیده است.

الزامات ناظر به بازبینی مقررات شرکت‌های تجاری. در ابتدا باید متذکر شد فارغ از هر دلیل دیگر برای بازبینی مقررات شرکت‌های تجاری، لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ به‌عنوان قانون موقتی و آزمایشی که متضمن مقررات اصلی یکی از شرکت‌های تجاری است (شرکت سهامی) می‌بایست مورد تعیین تکلیف قرار می‌گرفت، به‌علاوه مقررات شرکت‌های تجاری از جنبه‌های گوناگون دچار کاستی است. این کاستی‌ها در رابطه با همه مراحل ناظر به تشکیل و فعالیت، اداره و انحلال شرکت قابل ملاحظه است.

۱. لایحه ۱۳۸۴ مآلاً به‌وسیله لایحه ۱۳۹۱ تغییرات زیادی یافته است و با تأسف باید گفت که در زمینه جلوگیری از ورشکستگی شرکت‌ها مقرره‌ای ندارد. از این‌رو پژوهش پیش رو بر متنی که متأسفانه به‌رغم محاسن آن به‌ویژه در حوزه ورشکستگی از دستور کار خارج گردیده متمرکز گردیده است، به امید آنکه موردتوجه مقنن محترم قرار گیرد.

قانون تجارت و فقدان نهادهای نوین تجاری. یکی از کاستی‌های آشکار حقوق شرکت‌ها در ایران، نشناختن برخی مفاهیم و نهادهایی است که جهت تسهیل فعالیت شرکت‌های تجاری ضروری می‌نماید. نهادهای نوین در حقوق شرکت‌ها و راهکارهای جدید در جهت برخورد با شرکت‌های در شرف ورشکستگی مثل ادغام و تجزیه در اقتصاد شرکت داری به‌عنوان راهی برای جلوگیری از ورشکستگی شرکت‌ها و انحلال آن‌ها است که در قانون تجارت ما خبری از آن‌ها نیست و خود از دلایل ضرورت بازبینی قانون تجارت است، زیرا با فقدان این‌گونه نهادها به‌رغم هزینه‌های سنگین ناشی از امور تصفیه و ورشکستگی که بر دوش ورشکسته خواهد بود، عدم توجه به بازسازی شرکت‌های بحران‌زده و صدور حکم ورشکستگی آن‌ها باعث خسارات فراوان اقتصادی و اجتماعی کشور می‌شود و در عمل به‌رغم سرعت سایر کشورها در توسعه اقتصاد و برداشت موانع موجود بر سر راه آن، کشورمان در این رقابت بی‌رحمانه روزبه‌روز عقب‌تر می‌افتد، چراکه با ورشکستگی تاجری به علت عدم پرداخت دیون در سر موعد، سبب ورشکستگی سایر تجار و نهادهای تجاری شده و افزایش بیکاری را در پی خواهد داشت. لذا بررسی مواد مربوط به شرکت‌های در شرف ورشکستگی در قوانین سایر کشورهایی که در این زمینه پیشرو بوده و صاحب‌تجربه هستند، برای تدوین موادی در این مورد در قانون تجارت کشور لازم می‌نماید.

با تمام این تفاسیر به نظر می‌رسد تدوین قانون تجارت جدید، کار چندان شایسته‌ای نبوده و بهتر می‌بود با اصلاح برخی از مواد قانون که ضرورت تغییر آن بر کسی پوشیده نیست، این مهم را محقق می‌ساختند، چراکه تدوین یک مجموعه قانون آن‌هم به اهمیت مقررات تجارت، کاری بس پیچیده و سخت است و در صورتی که قانون‌گذاران دارای تخصص و تبحر کافی نباشند، سبب سردرگمی و نقصان بیش‌ازپیش خواهد شد. لذا به دلیل اهمیت موضوع ورشکستگی شرکت‌های تجاری که قواعد مربوطه آن، از جمله مقررات قانون تجارت است که نیازمند تغییر و تطبیق با شرایط روز دنیای تجارت است و به‌منظور طرح و بررسی راهکارهای جلوگیری از ورشکستگی شرکت‌های در شرف ورشکستگی در لایحه مزبور و مقایسه‌ای با حقوق فرانسه، به‌منظور اطلاع مقنن از اهمیت وضع و اعمال قواعد جلوگیری از ورشکستگی شرکت‌های در شرف ورشکستگی به‌منظور جلوگیری از تبعات منفی ورشکستگی، این مقاله در پنج بخش به رشته تحریر درآورده شد که بعد از مقدمه، بخش دوم به پیشینه تحقیق و مبانی تحقیق و بخش سوم به روش تحقیق پرداخته است. در بخش چهارم تحلیل یافته‌ها ارائه شده و بخش پنجم به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها اختصاص یافته است.

۲. مبانی و چارچوب نظری پژوهش

در مورد تبیین مقررات ورشکستگی در ایران با منابع قدیم و جدیدی مواجه هستیم که از جمله آن‌ها بخش ورشکستگی از کتب حقوق تجارت دکتر عرفانی، دکتر اسکینی (۱۳۷۸)، ناصر رسایی‌نیا (۱۳۸۸)، دکتر علیرضا محمدزاده (۱۳۹۲) و محمدعلی عبادی بوده و نیز مقالات متعددی درباره مقررات ورشکستگی در ایران از جمله، مقررات ورشکستگی در حقوق ایران، فتح‌اله شقاقی‌نژاد (۱۳۷۲) و بررسی آثار حکم ورشکستگی نسبت به تاجر ورشکسته، علیرضا حسنی (۱۳۸۲) و ۱۲ علت اصلی ورشکستگی شرکت از حسام سعیدی و پونه افشاری‌جو (۱۳۸۹) قابل ذکر است، لیکن در مورد موضوع مورد بحث در این مقاله یعنی تبیین راهکارهای موجود در خصوص جلوگیری از ورشکستگی شرکت‌ها در لایحه تجارت، نوشتاری ملاحظه نمی‌شود. از سوی دیگر هرچند بررسی مقررات ورشکستگی در حقوق فرانسه در منابع فارسی و خارجی قابل مشاهده است، لیکن تبیین موضوع مورد نظر ما در حقوق فرانسه که بخش دیگر این مقاله است در هیچ منبع فارسی ملاحظه نمی‌گردد و در منابع خارجی بررسی این موضوع در موارد معدودی چون (Klaus Pannen و Roland Montfort (2009) (2011) یافت می‌شود. لذا به دلیل اهمیت موضوع و عدم تبیین آن در منابع، پرداختن بدان ضروری می‌نماید؛ اما بیان مبانی نظری تحقیق حاضر جهت حصول به نتیجه به شرح زیر، لازم است.

بررسی لایحه و سیاست‌ها و راهکارهای موجود در آن در باب ورشکستگی شرکت‌ها. پیش از شروع بحث لازم به ذکر است که در قبل از تصویب قانون تجارت فعلی، تاجر می‌توانست پیش از صدور حکم ورشکستگی به جهت پرداخت نکردن دین در سررسید در دادگاه تجاری با بستن کاران توافق کرده و اختیار خویش را بر اموال خود ابقا نماید؛ در نتیجه دو آیین اعسار ورشکستگی برای تاجر لحاظ شده بود؛ اما در سال‌های ۱۳۰۵-۱۳۱۱ به‌رغم حذف دادگاه تجاری این دو روش به یک روش ورشکستگی به‌صرف تأدیه نشدن دین در سررسید تبدیل شد. در قوانین پس از سال ۱۳۱۱ در سال‌های ۱۳۴۳ و غیره تلاش‌هایی در جهت اصلاح این امر شده که روی هم‌رفته موفقیتی نداشته است و مقررات مربوط به ورشکستگی به‌عنوان مجموعه‌ای غیر منسجم وجود دارد؛ اما در لایحه تقدیمی به مجلس که توسط معاونت برنامه‌ریزی وزارت بازرگانی تدوین گردیده، سعی در برطرف نمودن نقایص موجود شده است و برای جلوگیری از هزینه‌های فراوان ناشی از امر تصفیه و ورشکستگی بنگاه‌های قابل‌بازسازی و احیاء راهکارهایی را مقرر نموده است.

به‌طور کلی باملاحظه لایحه تجارت، در خصوص ورشکستگی شرکت‌ها دو روش مشاهده می‌شود:
 ۱. جلوگیری از ورشکستگی با روش‌های مطروحه و ۲. طریق ورشکستگی^۱، که در این قسمت بر آنیم
 تا به بررسی روش‌های جلوگیری از ورشکستگی بنگاه در لایحه که عبارت باشد از؛ بازسازی بنگاه،
 ادغام یا تجزیه شرکت‌های در شرف ورشکستگی بپردازیم.

بازسازی بنگاه. نظام حقوقی کارا در راستای حفظ بنگاه اقتصادی گام برمی‌دارد و نه تصفیه و خاتمه
 دادن حیات اقتصادی آن [۱]. بازسازی بنگاه به‌منظور حفظ بنگاه‌های قابل بقاء از نظر اقتصادی،
 بازگرداندن ظرفیت تولید آن‌ها به وضعیت متعارف و جلوگیری از بیکار شدن نیروی کار این بنگاه‌ها
 انجام می‌شود [۲۲].

این روش یک‌نهاد شبه قضایی است که ساختار آن از هیئت تشخیص و سازمان بازسازی تشکیل
 شده و طی آن بنگاه دستخوش تغییراتی مثل تغییر در مدیریت، فعالیت‌ها، اندازه شرکت و غیره
 می‌شود. نحوه عمل بدین شکل است که سازمان بازسازی در صورت تشخیص قدرت تاجر به ادامه
 فعالیت، وی را مشمول بازسازی قرار می‌دهد^۲. پرواضح است که اصلاح امور بنگاه اقتصادی می‌باید بر
 اساس مطالعات دقیق و کارشناسانه باشد، و فرض ما نیز بر این است که متخصصان پس از شروع
 بازسازی به تحلیل عملکرد بنگاه از جهات گوناگون می‌پردازد. در لایحه، اصولاً ادامه فعالیت، مدیریت
 موجود و اصلاح امور در نظر گرفته می‌شود و رویکرد اصلی آن است که بنگاه با همان چارچوب
 شرکتی یا فردی موجود اداره گردد، البته تا زمانی که در مدیریت خطاهای عمده رخ نداده باشد. در
 این امر تاجر مکلف است بر اساس ماده ۸۳۶ لایحه از تاریخ شروع توقف ظرف سی روز درخواست
 خود را مبنی بر اینکه مشمول بازسازی قرار گیرد به سازمان بازسازی تسلیم نماید. هیئت تشخیص نیز
 مکلف است ظرف مدت یک ماه به این درخواست رسیدگی نماید (با تمدید مهلت ۱ ماهه). هیئت
 تشخیص پس از بررسی باید نتیجه را در مهلت مقرر بیان داشته و در صورت تصویب پذیرش
 بازسازی، موضوع را بلافاصله در روزنامه رسمی و کثیرالانتشار آگهی نماید^۳. در این مرحله یعنی در
 صورت تحت شمول بازسازی قرار گرفتن، تاجر مکلف است ظرف مهلت ۳ ماه (با امکان یک‌بار

۱. بررسی و تبیین روش ورشکستگی خارج از موضوع این مقاله است.

۲. مستند به ماده ۸۳۵ لایحه

۳. مواد ۸۳۸ الی ۸۴۱ لایحه

تمدید) با نظارت کمیته‌ای از نمایندگان طلبکاران طرح بازسازی را تهیه و برای بررسی به هیئت تشخیص بفرستد.^۱

بنابراین نحوه عمل چنین است که شرکت تجاری بدون پیش قضاوتی به مداوا سپرده می‌شود، در این مرحله هیئت تشخیص که برابر ضوابط، شرکت تجاری قابل بازسازی را در اختیار اداره بازسازی قرار می‌دهد، در واقع از دادگاهی شدن آن و ایجاد مشکلات ناشی از ورشکستگی جلوگیری به عمل می‌آورد. این سیاستی است که عمدتاً الگوی کار در این لایحه مصوب قرار گرفته و بدیهی است در صورت عدم امکان نجات و احیای شرکت مزبور، انحلال و ورشکستگی در دادگاه بررسی می‌شود.

پس از تصویب قابلیت بازسازی توسط هیئت تشخیص و ارائه طرح بازسازی از سوی تاجر، هیئت مذکور مکلف به بررسی طرح در مهلت مقرر است.^۲ لازم به ذکر است به‌صرف تصویب شمولت بازسازی و تصویب طرح تاجر مستلزم این امر نیست که الزاماً بایستی بازسازی تا مرحله آخر طی گردد، بلکه در طی مرحله بازسازی اگر هیئت مزبور تشخیص بدهد که طرح موفقیتی در پی ندارد، می‌تواند پرونده را جهت اخذ تصمیم در خصوص ورشکستگی به دادگاه تجاری بفرستد^۳ (مستند به تبصره ۲ ماده ۸۴۲ لایحه).

ضمناً طرح بازسازی‌ای که از سوی تاجر (شرکت تجاری) به هیئت داده می‌شود باید متضمن مواردی باشد که از آن‌ها می‌شود به؛ ۱) نحوه فعالیت ۲) نحوه مدیریت ۳) اسامی طلبکاران و ۴) ادغام و تجزیه برای شرکت‌های تجاری اشاره نمود (مورد اخیر در بحثی جداگانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت).

تفاوت تاریخ توقف در قانون تجارت و لایحه مصوب. این تفاوت‌ها را می‌توان در سه مورد احصاء نمود:

تفاوت در مفهوم توقف. در قانون تجارت بر طبق ماده ۴۱۲، در صورت توقف تاجر از پرداخت حتی یکی از دیون حال خود- بدون توجه به میزان دارایی حقیقی وی- مشمول حکم ورشکستگی قرار می‌گیرد و می‌توان گفت عدم تأدیه دین در سررسید موجب سلب اعتماد از تاجراست و به تبع آن وی

۱. ماده ۸۴۲ لایحه

۲. ماده ۸۴۳

۳. دادگاه تجاری پس از حذف در سال ۱۳۱۱ مجدداً در لایحه اخیر وارد شده است.

حق دخالت در اموال خود را از دست می‌دهد، در نتیجه وی مکلف است که اعلام ورشکستگی نماید. اموال وی نیز به تأمین بستانکاران درخواهد آمد و صرفاً پس از طی این مرحله، اگر از طریق پیشنهاد قرارداد ارفاقی با بستانکاران سازش کند، می‌تواند مجدداً کار تجارتي خود را از سر گیرد والا می‌بایست به تصفیه و فروش اموالش برای پرداخت به طلبکاران تن در دهد.^۱ این در حالی است که در فقه امامیه زمانی بحث افلاس مطرح می‌گردد که دارایی مثبت مفلس از دارایی منفی‌اش کمتر باشد [۲،۳] و جالب آنکه حتی معروضات دیون، هبه قابل رجوع، حق خیار و شیعیه را نیز داخل در دارایی مثبت می‌شمارند.

به دلیل وجود این نقیصه، رویه قضایی سعی در تعدیل این امر کرده است، زیرا برای اکثر قضات قابل پذیرش نبوده که شرکتی هرچند کوچک به صرف تأدیه نشدن یکی از دیون در سررسیدش ورشکسته محسوب گردد ولو اینکه در نزد سایر تجار طلبی باشد که بیشتر از دین مذکور در صورت تأدیه شدن است. در نتیجه رویه قضایی تمام دارایی و دیون را مقایسه می‌نمود و اصطلاح کسر دارایی بر بدهی متداول شد.

تحلیل اخیر قضات نیز به علت فقدان نص قانونی افراد را دچار مشکل می‌نمود، زیرا با اعلام دیر هنگام ورشکستگی، عملاً یک دوره فترت بر جای می‌ماند که در قانون حکمی راجع بدان پیش‌بینی نشده است.

به عقیده برخی در لایحه مصوب هیچ‌یک از دو مورد مذکور لحاظ نشده است بلکه تاریخ توقف پرداخت‌ها به‌عنوان تاریخ عدم توانایی در پرداخت، زمانی برای شروع «دوره بازسازی» برگزیده شده، بدین‌صورت دیگر کل مطالبات با کل دارایی مقایسه نمی‌گردد و همین که دیون مطالبه شده با دارایی در گردش قابل تأدیه نبود، کار اداره بازسازی شروع می‌گردد تا به درمان و اصلاح بنگاه بپردازد در نتیجه اصطلاح توقف پرداخت‌ها در معنای عدم امکان تأدیه کلیه دیون قابل مطالبه با امکانات مالی بالفعل یا دارایی در گردش به کار گرفته می‌شود.^۲

۱. قانون تجارت متوقف از ادای دین را تعریف نکرده است و ظاهراً عدم توانایی پرداخت غیر از توقف از ادای دین است زیرا عدم توانایی پرداخت وقتی محقق می‌شود که دارایی منفی بدهکار از دارایی مثبت وی بیشتر باشد و عدم تعادل دو دقیقاً پس از تصفیه اموال معلوم می‌گردد.

۲. در لایحه چیزی به‌جز تبصره ۲ ماده ۸۳۷ که این امر را به آیین‌نامه‌ای که باید تصویب شود سپرده، مشاهده نمی‌شود.

تفاوت در مهلت اعلام. بر طبق ماده ۴۱۳ قانون تجارت، تاجر باید ظرف ۳ روز از تاریخ وقفه‌ای که در تأدیه قروض یا سایر تعهدات نقدی وی حاصل می‌گردد توقف خود را به دادگاه اعلام نماید و پرواضح است که مدت مزبور برای این کار با اوضاع جوامع فعلی بسیار اندک است، مخصوصاً که برای این تکلیف ضمانت اجرایی لحاظ شده که در ماده ۵۴۲ قانون تجارت مشاهده می‌کنیم (و آن اعلان ورشکستگی به تقصیر این تاجر است). لیکن در لایحه، مدت مذکور به ۳۰ روز افزایش یافته است که از تاریخ توقف در پرداخت دیون آغاز می‌شود^۱.

تفاوت در نهاد تعیین تاریخ توقف. از تفاوت‌های دیگر میان قانون و لایحه اینکه، در قانون تعیین تاریخ توقف توسط محکمه در حکم معین خواهد شد و اگر در حکم تعیین نشده، تاریخ حکم تاریخ توقف محسوب می‌گردد اما در لایحه تصمیم‌گیری در خصوص تاریخ توقف بر طبق آیین‌نامه‌ای که باید ظرف ۳ ماه از تاریخ تصویب قانون مصوب گردد، مطابق ماده ۸۳۷ بر عهده هیئت تشخیص است.

میزان دوره تشخیص و طرح بازسازی. پس از آنکه تاجر ظرف مدت سی روز از تاریخ توقف درخواست خود مبنی بر مشمولیت بازسازی را به هیئت تشخیص تسلیم کرد، آن هیئت موظف است ظرف مدت ۱ ماه به درخواست تاجر رسیدگی نماید که این فرصت تا ۱ ماه قابل تمدید است^۲. سپس تاجر متوقف، مسئول تهیه طرح بازسازی بوده و باید ظرف مدت ۳ ماه از تاریخ اعلام هیئت با نظارت کمیته‌ای مرکب از نمایندگان طلبکاران تهیه و برای بررسی و تصویب به هیئت ارائه کند^۳ (این مدت نیز یک‌بار قابلیت تمدید دارد).

هیئت نیز ظرف مدت ۱ ماه از تاریخ وصول طرح (قابل تمدید تا ۱۵ روز) بایستی نظر خود را مبنی بر تصویب طرح یا عودت برای اصلاح و یا ارجاع موضوع برای اجرای مقررات ورشکستگی اعلام دارد. در صورتی هم که طرحی ظرف مدت مذکور از سوی تاجر تسلیم هیئت نشد، هیئت تشخیص می‌تواند اقدام به صدور سند عدم امکان بازسازی نموده و پرونده را به دادگاه تجاری ارسال دارد. (مستند به ماده ۸۴۳ لایحه). لازم به ذکر است که دوران بازسازی نباید از سه سال تجاوز نماید^۴.

۱. ماده ۸۳۶ لایحه

۲. مواد ۸۳۶ و ۸۳۷ لایحه

۳. ماده ۸۴۲

۴. ماده ۸۴۸ لایحه

ویژگی‌های دوران بازسازی. متوجه شده‌ایم که مدت‌زمان اجرای آیین بازسازی، در حقیقت نوعی ادامه زندگی اقتصادی شرکت تجاری است، لذا باید همه‌چیز روند عادی خود را طی کند، در نتیجه حال شدن دیون مؤجل که در صورت صدور حکم ورشکستگی محقق می‌شود. (ماده ۴۲۱ قانون تجارت^۵ ماده ۹۴۵ لایحه) نباید در این دوران به وقوع بپیوندد، زیرا اولاً روند حیات شرکت، همان مسیر عادی گذشته است و بستانکاران دارای دین مؤجل باید در سررسید به تاجر مراجعه نمایند و ثانیاً شرکتی که از پرداخت دیون حال خود مانده است چگونه خواهد توانست از پس دیون مؤجل خود برآید (مستند به ماده ۸۵۰ لایحه). البته طبق ماده ۸۵۰ لایحه، برای اینکه اولاً اعتبار تاجر از دست نرود و ثانیاً طلبکاران از مطالبات خود و پرداخت آن در هراس نباشند، هیئت تشخیص نمی‌تواند خسارت تأخیر تأدیه را قطع بنماید.

مطلبی دیگر که از ویژگی‌های دوران بازسازی است آنکه، با شروع اجرای بازسازی موجبات تعلیق تمامی دعاوی ناشی از فعالیت تجاری اقامه‌شده علیه تاجر که منشأ مطالبات آن‌ها قبل از این تاریخ باشد، فراهم می‌گردد، مهلت پرداخت مورد توافق قبلی به حالت تعلیق در می‌آید (ماده ۸۵۱ لایحه). در نتیجه چون در طرح بازسازی جهت تأدیه دیون برنامه‌ریزی می‌گردد و نحوه وصول مطالبات و پرداخت دیون معین می‌گردد (ماده ۸۴۵ لایحه بند ۳ و ۵) و بستانکاران پس از تصویب مطالبات خود را برابر طرح مصوب و مورد تأیید هیئت تشخیص دریافت می‌دارند که در این طرح امکانات مالی شرکت لحاظ گشته و قسطها به نحوی تنظیم می‌گردد که شرکت توانایی پرداخت آن را داشته باشد لذا مشاهده شد که شرکت تجاری در این دوران در یک «مصونیت خاصی» قرار می‌گیرد که از طرفی اجرای قرارها و احکام معلق می‌گردد، از سوی دیگر تمامی دعاوی علیه بدهکار (شرکت) معلق می‌ماند و بستانکاران حق طرح دعوی شخصی علیه تاجر متوقف را ندارند و از طرف دیگر هیچ قراردادی که شرکت بدان وابسته است به علت عدم تأدیه مبلغ نمی‌تواند فسخ گردد (ماده ۸۷۰ لایحه) این جمله ناقص است.

اجرائی شدن طرح بازسازی، مشمولیت و اصلاحات آن. همان‌طوری که بیان شد، آن طرحی قابل اجراست که در مواعد مذکور از سوی تاجر ارائه‌شده و به تصویب هیئت تشخیص رسیده، باشد (مستند به مواد ۸۴۲، ۸۴۳ لایحه) و سپس در روزنامه رسمی و کثیرالانتشار آگهی شود تا در صورتی که در ظرف ۱ ماه نسبت بدان اعتراض نشود، مفاد و مندرجات آن نسبت به اشخاص ذی‌نفع معتبر باشد (ماده ۸۴۷ لایحه) این طرح در مدت حداکثر سه سال باید اجرا گردد البته با توجه به ماده

۸۴۸ لایحه این مدت می‌تواند کمتر از این نیز باشد که وظیفه تشخیص آن با توجه به اندازه شرکت، میزان بدهی‌ها و مشکلات و غیره با هیئت تشخیص است. در مورد اصلاحات طرح باید بیان گردد به علت اینکه طرح توسط هیئت تشخیص تصویب می‌گردد، هرگونه اصلاح آن نیز با توجه به لایحه در صلاحیت هیئت مذکور است، بدین صورت که پس از پیشنهاد تاجر و اخذ نظر کمیته طلبکاران، تغییرات و اصلاحات باید به تصویب هیئت تشخیص برسد (ماده ۸۴۹ لایحه).

ادغام و تجزیه شرکت‌ها. ادغام و تجزیه شرکت تجاری به‌عنوان راهی در جهت جلوگیری از ورشکستگی شرکت‌ها بحران‌زده و انحلال آن‌ها و در نتیجه پرهیز از هزینه‌های ناشی از امور تصفیه و ورشکستگی مطرح است^۱ که در لایحه مصوب نیز بدان پرداخته شده است. این مطلب که یک از مواردی است که در طرح بازسازی‌ای که توسط تاجر مطرح و با نظارت کمیته‌ای از طلبکاران تهیه و به تصویب هیئت تشخیص می‌رسد، لحاظ گشته است (مستند به ماده ۸۴۵ لایحه بند ۹) و در لایحه باب جداگانه‌ای را نیز به خود اختصاص داده است و فصل سوم آن تحت عنوان «ادغام و تجزیه شرکت‌ها» مطرح شده است.

در این راهکار نیز سعی شده به نحوی در جهت مداوای شرکت‌های تجاری بحران‌زده اقدام گردد، بدین نحو که وقتی خود شرکت به تنهایی قادر به مداوا کردن خود نیست با ادغام با سایر شرکت‌ها و وقتی به دلایلی مثل حجیم بودن شرکت قادر به اصلاح آن نیستند با تجزیه شرکت به چند واحد تجاری کوچک‌تر، در جهت درمان و سرپا نگه‌داشتن واحد تجاری مذکور برآیند. در نتیجه ادغام و تجزیه شرکت‌های تجاری در شرف ورشکستگی بدون نیاز به تصفیه صورت می‌پذیرد (ماده ۸۰۳ لایحه).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی مدیریت

۱. جالب است گفته شود که در حقوق آلمان روش خاصی تحت عنوان "طرح تجدید سازمان"، وجود دارد، بدین توضیح که بستنکاران در مدیریت شرکت داخل می‌گردند سازمان فعالیت اقتصادی مورد تجدیدنظر قرار گرفته و حتی ممکن است نتیجه بررسی، انتقال فعالیت به یک خریدار باشد، البته این طرح باید به تأیید دادگاه ورشکستگی برسد.

ادغام شرکت‌های تجاری بحران‌زده

ادغام شرکت‌های تجاری. ادغام شرکت‌ها به دو صورت یک‌جانبه یا دو یا چندجانبه صورت می‌پذیرد، بدین توضیح که ادغام یک‌جانبه از طریق جذب یک یا چند شرکت با محو شخصیت حقوقی در شرکت موجود با حفظ شخصیت حقوقی (با عنوان شرکت پذیرنده ادغام) انجام می‌پذیرد. ادغام چندجانبه از طریق دو یا چند شرکت ادغام شونده با محو شخصیت حقوقی آن‌ها و ایجاد شرکت جدید صورت می‌گیرد (مستند به مواد ۸۰۳، ۸۰۵، ۸۰۶ لایحه). لازم به تذکر است ادغام هرگونه شرکت با هر نوع شرکت دیگر امکان‌پذیر نیست و مواردی از قبیل ادغام شرکت‌های سهامی عام در سهامی خاص و یا ادغام شرکت سهامی عام در شرکت با مسئولیت محدود قابل پذیرش نیست، لذا در مجموع می‌توان مواردی را که ادغام آن‌ها ممنوع است، بدین گونه بیان نمود:

(۱) ادغام شرکت‌های سهامی عام اعم از آنکه در بورس پذیرفته شده یا نشده‌اند در هرگونه شرکت دیگر،

(۲) ادغام شرکت‌های سهامی عام پذیرفته شده در بورس در شرکت‌های سهامی عام پذیرفته نشده در بورس و بالعکس،

(۳) ادغام شرکت تضامنی در سایر انواع شرکت‌ها و

(۴) شرکتی که بر اثر زیان‌های وارده حداقل نیمی از سرمایه‌اش از میان برود و سرمایه شرکت توسط مجمع عمومی فوق‌العاده به مبلغ سرمایه موجود کاهش و یا سرمایه شرکت را به میزان لازم برای خروج از شمول صدر ماده ۶۱۷ افزایش ندهد (مستند از مواد ۸۰۷، ۸۱۷، ۶۱۷ لایحه).

علاوه بر موارد ممنوعه فوق، از آنجایی که ادغام ممکن است منجر به اعمال برخی رویه‌های ضد رقابتی و یا محدودکننده رقابت در بازار گردد و یا سبب ایجاد تمرکز و قدرت انحصاری در بازار شود، بر اساس مقررات رقابت (قوانین رقابت)، بعضی از ادغام‌ها ممنوع است.

بر همین اساس ماده ۴۸ مقررات تسهیل رقابت و منع انحصار کشورمان، مندرج در فصل نهم قانون اصلاح برخی از مواد قانون برنامه چهارم توسعه مقرر می‌دارد:

" ادغام شرکت‌ها یا بنگاه‌ها در موارد زیر ممنوع است:

- در جریان ادغام یا در نتیجه آن اعمال مذکور در ماده (۴۵)^۱ اعمال شود.

- هرگاه در نتیجه ادغام، قیمت کالا یا خدمت به‌طور نامتعارفی افزایش یابد.

- هرگاه ادغام موجب ایجاد تمرکز شدید در بازار شود.^۲

- هرگاه ادغام، منجر به ایجاد بنگاه یا شرکت کنترل‌کننده در بازار شود."

البته تبصره (۱) ماده مذکور می‌گوید مواردی که پیشگیری از توقف فعالیت بنگاه‌ها و شرکت‌ها یا دسترسی آن‌ها به دانش فنی جز از طریق ادغام امکان‌پذیر نباشد، هرچند ادغام منجر به بندهای (۳) و (۴) این ماده شود، این ادغام مجاز است، لذا در فرض اینکه جهت پیشگیری از توقف یا ورشکستگی شرکت تجاری (موضوع بحث) ناگزیر از ادغام باشیم، لیکن در جریان ادغام یا در نتیجه آن اعمال مذکور در ماده (۴۵) اعمال شود و یا در نتیجه ادغام، قیمت کالا یا خدمت به‌طور نامتعارفی افزایش یابد، به‌صراحت تبصره (۱) ماده ۴۸ قانون مورد اشاره ممنوع است.

محدودیت ادغام در مقررات کشورهای دیگر نیز به‌منظور جلوگیری از انحصار و تخریب فضای سالم بازار از طریق ایجاد موقعیت مسلط مشاهده می‌شود و از جمله آن قانون رقابت لهستان است که می‌گوید: "هر ادغام باید به اطلاع اداره مبارزه با انحصارگری برسد و چنانچه ادغام موجب موقعیت مسلط گردد، ممنوع است" و یا طبق ماده ۱۴ قانون رقابت آندونزی، ادغام عمودی ممنوع اعلام شده است. ممنوعیت ادغام در قوانین کشورهای تایوان (مواد ۱۱، ۱۳) و ژاپن (ماده ۱۵) نیز مشروط به شرایطی مشاهده می‌گردد. در مقررات برخی دیگر از کشورها از جمله ایتالیا هر چیزی که نتیجه‌اش

۱. ماده ۴۵ اعمال ذیل که منجر به اخلال در رقابت می‌شود، ممنوع است: الف. احتکار و استتکاف از معامله ب. قیمت‌گذاری تبعیض آمیز ج. تبعیض در شرایط معامله د. قیمت‌گذاری تهاجمی ه. اظهارات گمراه‌کننده و. فروش یا خرید اجباری ز. عرضه کالا یا خدمت غیراستاندارد، ح. مداخله در امور داخلی و یا معاملات بنگاه یا شرکت رقیب ط. سوءاستفاده از وضعیت اقتصادی مسلطی - محدود کردن قیمت فروش مجدد ک. کسب غیرمجاز، سوءاستفاده از اطلاعات و موقعیت اشخاص.

در ذیل بندهای این ماده مواردی بیان شده که به علت محدودیت کمی آن‌ها را ذکر ننموده که جهت مطالعه می‌توانید به خود ماده مراجعه نمایید.

۲. دامنه تمرکز شدید را شورایی تحت عنوان شورای رقابت تعیین و اعلام می‌کند.

انحصار شود ضد رقابت و ممنوع اعلام شده است که یکی از مصادیق آن _ یعنی عملی که باعث انحصار گردد_ ادغام‌های صوری باهدف افزایش قدرت در بازار است.^۱

فرآیند و شرایط ادغام. علاوه بر شرط فوق‌الذکر در مورد نوع شرکت که حائز اهمیت است، فرآیند ادغام نیز باید مورد بررسی قرار گیرد که ذیلاً بدان خواهیم پرداخت.

در ابتدا برای ادغام شرکت تجاری، مدیران شرکت وظیفه دارند که موافقت کلی مجمع عمومی فوق‌العاده در شرکت‌های سهامی یا شرکا در سایر شرکت‌ها را با ایده ادغام کسب نمایند و در مرحله بعدی طرحی تحت عنوان "طرح مشترک ادغام" باید به‌وسیله هیئت‌مدیره یا مدیرعامل در شرکت‌هایی که هیئت‌مدیره در آن‌ها پیش‌بینی نشده (که متضمن مواردی باشد که در ماده ۸۱۲ ذکر شده است) تهیه و برای تصویب به مجمع عمومی فوق‌العاده یا شرکا ارائه گردد. در مرحله بعد، پس از موافقت کلی مجمع یا شرکا با ایده ادغام، تفاهم‌نامه‌ای متضمن موارد زیر میان مدیران شرکت‌های طرف ادغام مبادله می‌شود:

(۱) شرایط و اصول کلی ادغام، (۲) تعیین مهلت زمانی برای تهیه و طرح مشترک ادغام و (۳) تعیین مهلت زمانی برای مطرح ساختن طرح مشترک ادغام در مجمع. تصمیم هر یک از شرکت‌های مذکور باید ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ تصویب طرح در روزنامه شرکت آگهی گردد و برای نشر در روزنامه رسمی به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال گردد.

تجزیه شرکت‌های بحران زده

تجزیه شرکت‌ها. تجزیه شرکت نیز به دو صورت انجام می‌گیرد: (۱) بخشی از دارایی‌ها و تعهدات شرکت موجود با حفظ شخصیت حقوقی آن به‌منظور تشکیل یک یا چند شرکت جدید اختصاص می‌یابد، (۲) دارایی‌ها و تعهدات شرکت موجود به‌منظور تشکیل دو یا چند شرکت جدید اختصاص می‌یابد و شخصیت حقوقی شرکت موجود محو می‌گردد، در نتیجه امکان حفظ شرکت مورد تجزیه و ایجاد چند شرکت جدید و نابودی شرکت مذکور وجود دارد.

۱. رک به: قانون قواعد انحصار و تجارت منصفانه ژاپن، قانون مربوط به مقابله با اقدامات انحصاری لهستان، قانون ممنوعیت اقدامات انحصارطلبانه و رقابت تجاری غیرمنصفانه اندونزی، قانون تجارت عادلانه تایوان و مقررات حمایت از رقابت در بازار ایتالیا.

فرآیند و شرایط تجزیه شرکت‌ها. باید دانست امکان تجزیه هر شرکتی به هر شرکت دیگر وجود ندارد بلکه، (۱) شرکت تجارتي فقط به شرکت‌های از نوع خود قابل تجزیه است، (۲) تجزیه شرکت تضامنی در صورتی به شرکت‌های از نوع خود امکان‌پذیر است که شرکت مذکور پس از تصفیه کلیه دیون و تعهدات شرکت و یا جلب رضایت همه بستانکاران و اشخاصی که شرکت در قبال آن‌ها متعهد است اقدام نموده باشد و (۳) شرکت‌هایی که در بورس پذیرفته شده‌اند در صورتی که با تجزیه آن‌ها سازمان بورس موافقت نماید (مستند به ماده ۸۲۱ لایحه و تبصره‌ای آن) فرآیند تجزیه نیز به شرح ذیل است؛

ابتدا مدیران شرکت موظف‌اند طرحی تحت عنوان طرح عنوان طرح تجزیه را به مجمع عمومی فوق‌العاده یا شرکا جهت تصویب ارائه نمایند سپس ظرف مدت پانزده روز از تاریخ تصویب طرح تجزیه به منظور اطلاع عمومی در روزنامه شرکت آگهی تا در صورت اعتراض بستانکاران و دارندگان اوراق مشارکت در جهت اصلاحش برآیند.

بررسی موضوع در حقوق فرانسه. مقررات سال ۱۸۰۷ که در آن فقط آیین ورشکستگی بر مبنای خلف وعده پرداخت با امکان انعقاد قرارداد ارفاقی در نظر گرفته شده بود (همانند قواعد جاریه کشورمان)؛ اما قانون سال ۱۸۳۷ که تجدیدنظری به قانون قبلی بود این‌طور مقرر کرد که دادگاه بر مبنای حسن نیت تاجر بدهکار می‌تواند آیین تسویه قضایی را انتخاب کند، بدین توضیح که تاجر در مدیریت تجارتخانه بماند و مدیر تصفیه هم نقش نظارتی داشته باشد. همین رویه در قانون سال ۱۸۸۹-۱۹۵۵ حفظ شد تا اینکه در سال ۱۹۶۷ به احیاء بنگاه اقتصادی بدون در نظر داشتن حسن نیت تاجر توجه ویژه‌ای گشته و قابلیت یا عدم قابلیت احیای آن ملاک در تفکیک آیین «حل و فصل قضایی» و «تصفیه اموال» قرار گرفت. در نتیجه در قانون مارالذکر و دو اصلاحیه بعدی ۱۹۹۴-۱۹۹۹ آن اصل را بر بازسازی بنگاه قرار داده مگر آنکه احیاء غیرممکن باشد. در کنار این روش رسمی دو آیین خارج از دادگاه هم در نظر گرفته شده است که در ادامه سعی شده به بررسی آن پرداخته شود.^۱ این مقررات متعاقباً در اصلاحات سال ۲۰۰۸ در مواد L631-1 به بعد قانون تجارت گنجانده شده است. در آخرین اصلاحات مواد یادشده به موجب ماده ۷۵ قانون تفویضی ۱۸ دسامبر ۲۰۰۸ به شماره ۱۳۴۵-۲۰۰۸ مورد بازبینی قرار گرفته است.

۱. این دو روش عبارت است از: ورشکستگی مقدماتی مستقل و سازش

لازم به ذکر است به منظور آگاه‌سازی وضعیت خطرناک شرکت برخی اشخاص می‌باید مبادرت به صدور اخطاریه‌هایی در این مورد به شرکت مزبور نمایند. این دستورالعمل‌های اخطاردهنده، بسته به وضعیتی که دارند می‌توانند، هم اجباری و هم اختیاری باشند و می‌توانند توسط هر حسابرس قانونی، شورای کار شرکت‌ها، سهامداران و یا دادگاه تجاری صادر گردند.

انواع هشدارها [۲۱]

اخطار (هشدار) تهیه شده توسط حسابرس قانونی^۱. نقش حسابرس قانونی این است که و صادقانه بودن صورت‌حساب‌های سالیانه شرکت را تأیید نموده و تصویر شفافی از فعالیت‌ها و وضعیت شرکت برای سال مالی، وضعیت مالی و سرمایه‌های شرکت ارائه کند^۲. این وظیفه در سه مرحله محقق می‌گردد:

الف) درخواست نمودن اطلاعات از رییس هیئت مدیره،

ب) دعوت نمودن برای تشکیل جلسه هیئت مدیره،

ج) مطلع کردن سهامداران؛ که اگر بعد از اقدام هیئت‌مدیره، حسابرس قانونی ملاحظه نمود ادامه فعالیت تجاری همچنان در معرض خطر قرار دارد، وی موظف است که پیش‌نویسی را برای سهامداران و به جهت ارائه در جلسه آنان که توسط او تشکیل می‌گردد، تهیه نماید. و اگر پس از تشکیل جلسه سهامداران، حسابرس قانونی همچنان راضی نشده بود، دادگاه تجاری را از این امر مطلع می‌سازد.

لازم به ذکر است که اخطار (هشدار) ارائه‌شده از سوی حسابرس قانونی، اجباری است به‌گونه‌ای که تخطی از آن، مجازات کیفری را به همراه خواهد داشت.

دستورالعمل‌های اخطاردهنده شوراها^۳. شورای کار ممکن است در مورد " شناسایی هر واقعیتی که تأثیر منفی بر وضعیت شرکت داشته باشد " روش‌های هشدار (اخطار) دهنده را آغاز

۱. در شرکت‌های سهامی (و با مسئولیت محدود)، در شرکت‌های تضامنی و شرکت‌های مختلط و برای تمامی شرکت‌هایی که با ضوابط زیر همخوانی و سازش دارند وجود حسابرسان قانونی اجباری می‌باشند: ارزش دفتری کلی برابر با ۱/۵ میلیون یورو، درآمدی برابر با ۳ میلیون یورو پیش از پرداخت مالیات، میانگین ۵۰ کارمند (ماده ۲-۹,۲۲۲-۲ L و ۳۵-۲۲۳ L از قانون تجارت).
۲. این مواد با حفظ همین رئوس کلی به‌موجب بند ۵ ماده ۶۲ قانون ۵۲۵-۲۰۱۱ مورخ ۱۷ مه ۲۰۱۱ مورد بازبینی قرار گرفته‌اند.

3. Ibid, p.5

نمایند. برخلاف خطاریه‌ای که توسط حسابرس قانونی تهیه شده است، خطاریه شورای کار اختیاری است.

روش‌های اخطار برای سهامداران و شرکا^۱. این دستورالعمل (دادرسی‌ها) های هشداردهنده ممکن است توسط هر یک از شرکا به‌غیر از شرکا مدیریتی شرکت با مسئولیت محدود اعمال شود^۲ و یا توسط یک یا بیشتر از سهامداران شرکت سهامی که سهامشان بیش از ۵ درصد از کل سهام است، اعمال و اجرا شود (که البته در قالب طرح سؤال از مدیرعامل یا هیئت‌مدیره صورت می‌پذیرد)^۳.

روش‌های هشداردهنده رییس قضاات دادگاه تجارت^۴. پس از تصویب قانون در تاریخ ۱۹۸۴/۰۳/۰۱، رییس قضاات نقشی اساسی را بازی نموده و دارای قدرت بازرسی وسیعی است. به‌اختصار بیان می‌گردد که^۵ پس از خواستن مدیران از سوی رییس برای اخذ توضیحات در مورد وضعیت شرکت اگر مدیران در جلسه شرکت نمایند و قاضی از جواب آن‌ها قانع نشود، به علت وسعت اختیاراتش، او می‌تواند از حسابرس قانونی، نماینده کارکنان، مسئولان بخش‌های عمومی، اداره امنیت اجتماعی و دیگر پیکره‌های دولتی، اطلاعات بیشتری را در خصوص وضعیت شرکت طلب نماید.

امکان قانونی برای ادامه فعالیت‌های اقتصادی^۶. زمانی که یک شرکت دارای مشکلات مالی است اما بدهکار نیست، به‌منظور جلوگیری از ورشکستگی شرکت، دو راهکار پیش‌بینی شده است؛ ۱. مطالبه هرگونه کمکی از مسئولان عمومی و ۲. اعلام و اجرای طرح سازمان‌دهی مجدد شرکت.

1. Ibid, p.6

۲. L.223-36 از قانون تجارت. لازم به ذکر است هرچند مواد این فصل از قانون تجارت به‌موجب ماده ۵۶ قانون ۴ اوت ۲۰۰۸ به شماره ۲۰۰۸-۷۷۶ اصلاح شده‌اند، مفاد این ماده تغییری نکرد است.

۳. L.225-232 از قانون تجارت. نصاب ۵٪ مذکور در این ماده به‌موجب اصلاحات به‌عمل‌آمده در پی تصویب ماده ۱۱۴ قانون ۱۵ مه ۲۰۰۱ تعیین گردیده است. پیش از آن به‌موجب قانون ۱۹۶۶ نصاب ۱۰٪ سرمایه برای بهره‌برداری از این حق تعیین شده بود.

4. Chief judge Of The Commercial Court

5. Ibid, p.7

6. Ibid, p.p 6-8

کمک مسئولان عمومی. افزایش تعداد شکست کمپانی‌ها و عکس‌العمل‌هایی که آن‌ها در بازار از خود نشان می‌دهند، مسئولان عمومی را مجبور می‌سازد تا خارج از دادرسی‌های قضایی مداخله نمایند. این مداخله می‌تواند به اشکال زیر نمودار گردد:

۱. کمیته‌های سازمان‌دهی کننده مجدد: در فرانسه، این کمیته در سطوح اداری (CODEFI)، منطقه‌ای (CORRI) و بین وزارتخانه‌ای (CIRI) وجود دارد. مأموریت آن‌ها بررسی دلایل مشکلات شرکت‌ها و اجرای تدابیر سازمان‌دهی مجدد خارج از فضای دادگاه به منظور حمایت نمودن از کارمندان کمپانی‌ها از افزونگی است (فراوانی کارمندان بیش از حد نیاز).

۲. کمک‌های ایالتی (دولتی)

۳. سوپسید (یارانه)

تمهیدات سازمان‌دهی مجدد خارج از صلاحیت قضایی. تمهیدات سازمانی مجدد خارج از صلاحیت قضایی در حقوق فرانسه شامل دو مورد زیر می‌شوند:

- ورشکستگی مقدماتی مستقل [۲۱]

- سازش

هدف این تمهیدات، تشکیل ترتیبات (تنظیمات) قراردادی در سایه عنایات میانجی‌گران و با مسئولیت دادگاه است که به شرکت‌هایی که دچار مشکل شده‌اند، این اجازه را می‌دهد که طلبکاران خود را یافته با آن‌ها به توافق رسیده و از شروع مراحل ورشکستگی دوری نمایند و هدف این طرح دور کردن شرکت از سقوط در بدهی‌هایش است.

ورشکستگی مقدماتی مستقل

توضیح جامع روش. در این روش موقعیت و وضعیت تاجر بدهکار تعیین می‌شود و وی متهم به این است که در زمینه‌های مالی، اقتصادی در مضیقه و مشکل است. در حقیقت وی با تلاش بسیار این به این روش متمسک می‌شود [۱۵].

این روش شامل تعیین یک نماینده موردی / ویژه می‌شود که قبل از اینکه مراحل ورشکستگی قانونی رسمی آغاز گردد، مداخله نموده و میانجی‌گری می‌نماید. هدف از این اقدام استفاده از یک شریک بی‌طرف سومی است که تحت نظارت دادگاه با مشکلاتی که شرکت بدهکار با آن روبه‌رو

است، مقابله نماید، امتیاز و مزیت آن انعطاف‌پذیری و مدت زمانش نسبت به دادرسی است. این دستورالعمل و روش ماهیتاً قراردادی است و موفقیتش بستگی به توانایی تمامی قسمت‌هایی دارد که به یک تفاهم جمعی دست یافته‌اند.

این اقدام در سال ۱۹۸۰ میلادی و در ماده ۳۵ قانون ۱۴۸-۸۴ مورخ ۱ مارس ۱۹۸۴ به‌طور محدود مدون گردید (دادگاه تجارت^۱ پاریس از این دستورالعمل برای سلب حق رهن از خود در مورد دارایی‌های غیرمنقول استفاده نمود) و ماده 3-611.L جایگزین ماده ۳۵ قانون مذکور در خصوص پیشگیری و به سامان سازی دوستانه مشکلات بنگاه‌های اقتصادی می‌شود. ماده اخیرالذکر خود به‌موجب قانون شماره ۴۷۵-۹۴ مورخ ۱۰ ژوئن ۱۹۹۴ در خصوص پیشگیری و مقابله با مشکلات بنگاه‌های اقتصادی اصلاح می‌گردد و النهایه، به‌موجب ماده ۳ قانون ۳۲۶-۲۰۱۴ مورخ ۱۲ مارس ۲۰۱۴ در رابطه با اصلاح مقررات مربوط به پیشگیری از مشکلات بنگاه‌های اقتصادی و آئین‌های جمعی، اصلاحاتی چند در ماده 3-611.L به‌عمل آمده و متن این ماده مقرر می‌دارد: «رئیس دادگاه می‌تواند به درخواست یک بدهکار نماینده‌ای موردی تعیین و وظایف وی را تشریح نماید. بدهکار می‌تواند نام نماینده موردی را نیز تعیین کند. در صورتی که بازرس حساب‌های شرکت مشخص شده باشد، تصمیم دادگاه در خصوص تعیین نماینده موردی جهت اطلاع به وی ابلاغ خواهد شد.»^۲

نماینده موردی/ ویژه توسط دادگاه تجارتي معمولاً از میان لیستی که توسط وی تأیید شده‌اند و بر اساس درخواستی که از او (دادگاه) می‌شود، برای دوره زمانی معین، با وسعت و حیطة مأموریتی آزادانه و بدون محدودیت انتخاب می‌گردد. بدیهی است عمل نماینده مستحق دستمزد است و آن توسط دادگاه تجارت پس‌ازاینکه مأموریتش کامل انجام شد، تعیین گردیده و توسط شرکت بدهکار پرداخت خواهد شد. لازم به ذکر است نماینده مذکور نباید در مدیریت شرکت بدهکار فعالیتی داشته باشد. در حقیقت نقش نماینده موردی/ ویژه کمک کردن به گروه‌های مورد نظر (شرکت، بستانکاران، سهامداران) در رسیدن به یک تفاهم مشترک است، البته این تفاهم هیچ‌گونه حمایت قانونی مشخصی را برای هر یک از گروه‌های درگیر تضمین نمی‌نماید.

۱. دادگاه تجارت صلاحیت رسیدگی به تمامی فعالیت‌های تجاری و صنعتی را دارد و قضات آن به‌عکس دادگاه مدنی غیرحرفه‌ای هستند.

۲. لازم به ذکر است دستورالعمل‌ها با درخواستی که توسط نماینده قانونی نهادها به رئیس دادگاه تجارت یا رئیس دادگاه مدنی ارسال می‌شود آغاز گردد و دادگاه نمی‌تواند راساً این نوع اقدامات را آغاز نماید.

نتیجه عمل. این اقدام ممکن است به یکی از سه صورت زیر منتهی گردد:

۱. تفاهمی حاصل نگردد؛
 ۲. تفاهمی حاصل شده باشد و اثر تفاهم آن است که تا زمانی که اعتبار دارد تمامی فعالیت‌های صورت گرفته توسط طرفین دعاوی درباره بدهی‌های مدنظر در تفاهم‌نامه را معلق می‌سازند.
 ۳. تفاهم صورت گرفته است، لیکن این تفاهم مابین بدهکار و بستانکار نقض شده باشد و تنها راه باقی‌مانده برای بستانکار این است که به تفاهم‌نامه خاتمه ببخشد.
- در نتیجه دستورالعمل (دادرسی) نماینده موردی/ ویژه، تسهیلات و ابزار عملی و انعطاف‌پذیری را برای شرکت بدهکار و بستانکارانش فراهم می‌نماید، به گونه‌ای که این تسهیلات توانایی حل هرگونه مشکلی را که شرکت بدهکار ممکن است درگیر آن‌ها باشد در چارچوبی قراردادی داشته و قبل از اینکه نیاز باشد اقدامات پرهزینه، پیچیده و ساختاری ورشکستگی صورت پذیرد، محقق می‌گردد. از سوی دیگر شرکت بدهکار در تلاش برای حل نمودن مشکلاتی که با آن روبه روست و برای جلوگیری از افتادن در ورشکستگی می‌تواند از دستورالعمل سازش^۱ نیز استفاده نماید.

دستورالعمل سازش^۲. قبل از فرآیند سازش، دستورالعمل حل‌وفصل دوستانه از طریق مذاکرات و توافق در نظام حقوقی فرانسه حاکم بود و مانعی که بر سر راه اعمال این روش بود مدت‌زمان زیاد این فرآیند بود [۱۷].

بعد از اینکه قانون ۸۴۵-۲۰۰۵ مورخ ۲۶ جولای تکمیل و اصلاح گردید، فرآیند توافقی خارج از دادگاه به‌عنوان یکی از طرح‌های پیشگیرانه با عنوان سازش ایجاد شد و همان‌طور که بیان شد جایگزین دستورالعمل حل‌وفصل دوستانه گردید.

توضیح جامع روش. سازش مذاکره‌ای دوستانه و خارج از هرگونه محدودیت قضایی در راستای کاستن از کل بدهی بدهکار و تغییر زمان سررسید آن‌ها برای انعکاس ظرفیت مالی بدهکار است. این دستورالعمل طرحی پیشگیرانه و کاملاً ملی و برای دوره زمانی محدود بوده و قابل اجرا برای اشخاص

1. conciliation

۲. قبل از این راهکار، در قانون ۱۹۸۴ دستورالعملی پیش‌بینی شده بود تحت عنوان "دستورالعمل حل‌وفصل دوستانه" و در ادامه در سال ۱۹۹۴ اصلاح گردیده و دست‌آخر ماده 3-611 L این راهکار را از متن خود به کناری نهاد و راهکار فعلی که مشابه راهکار مذکور قبلی است تحت عنوان "سازش" در ماده 4-611 L به بعد آن قانون درج شده است. توضیحات این مبحث نیز برگرفته از مواد 4-611 L تا 15-611 L است.

حقیقی (خوداشتغالی) یا حقوقی است که بر پایه مذاکرات محرمانه و اعتمادزا در مراحل اولیه مشکلات مالی (شرکت تجاری) بدهکار با طلبکاران اصلی^۱ (هیچ الزامی برای گنجاندن همه طلبکاران وجود ندارد) است [۱۸].

روش مذکور با درخواستی که از رییس دادگاه تجاری می‌شود، شروع شده و تحت نظارت آن اجرا می‌گردد [۲۳] و شامل موارد زیر است:

الف. شرح مشکلات قانونی، مالی و اقتصادی‌ای که منجر به درخواست شده است؛

ب. اقدامات اصلاحی پیشنهادی؛

ج. تأخیر در پرداخت بدهی‌هایی که به شرکت اجازه می‌دهد به وضعیت مناسب مالی باز گردد.

در این راستا قانون فرانسه ابزار و مشوق‌های مختلفی را که طلبکاران شرکت‌کننده را به مصالحه ترغیب نموده و شروعی تازه را حمایت نماید، فراهم می‌کند. لازم به ذکر است آغاز مذاکرات منجر به توقف خودکار تاجر نمی‌شود و تاجر بدهکار کماکان مالک اموال خود باقی می‌ماند. در گام بعد با حصول توافق، این موافقت باید توسط دادگاه تأیید و تصویب گردد. بدیهی است که شکست مذاکره یا نقض توافق می‌تواند به ورشکستگی تاجر منجر گردد.

از نکات مهم اینکه، همانند دستورالعمل حل و فصل دوستانه^۲، در سازش نیز تنها بدهکار (مدیر اجرایی در شرکت بدهکار) می‌تواند برای درخواست آغاز طرح سازش با رییس دادگاه اقدام نماید [۲۰] و دادستان عمومی، طلبکاران یا کارمندان چنین حقی را ندارند. مدیر اجرایی شرکت بدون اینکه حتی قبلاً تأییدیه‌ای از هیئت‌مدیره یا سهامداران کسب نماید، ممکن است آن حق را اعمال نماید.

در ابتدای امر، بدهکار هیچ الزامی برای اطلاع شورای کار (حداقل تا زمانی که قرار سازش نهایی نشده باشد) یا حسابرسان خارجی وجود ندارد، اما پس از آغاز سازش، اطلاعات مربوطه باید به دادستان عمومی، حسابرسان خارجی، نهادهای حرفه‌ای اجرایی یا مقامات نظارتی بر افراد خود اشتغال داده شود.

۱. طلبکاران اصلی اشخاصی هستند که بیشترین میزان دارایی یا ضمانت‌های مهم شرکت را دارا می‌باشند و در عمل این افراد غالباً بانک‌ها می‌باشند.

2. ibid.

در حال حاضر اگر بدهکاران برای بیش از ۴۵ روز در حالت ورشکستگی قرار گرفته باشند^۱، دیگر واجدالشرايط برای بهره‌مندی از فرآیند سازش نخواهند بود [۱۹].

گرداننده و نقش‌آفرین در این روش. در اینجا سؤالی که پیش می‌آید این است که چه کسی متصدی مدیریت سرمایه‌های افراد و شرکت و گرداننده اقدامات موصوف است؟

برای این منظور یک شخص ثالث حرفه‌ای، تحت عنوان میانجی^۲ (میانجی سازش)، توسط دادگاه تجاری تعیین می‌گردد [۱۶]. هرچند معمولاً در هر مورد از طرح مذکور، میانجی از میان لیستی موجود در دادگاه تجاری انتخاب می‌شود، اما ممکن است در این زمینه یک حسابدار یا دیگر کارشناسان یا وکیلی که در این رابطه به‌عنوان صالح به رسمیت شناخته شده است، انتخاب گردد. نکته حائز اهمیت اینکه از آنجایی که بایستی یک ارتباطی بر پایه اعتماد میان بدهکار و میانجی وجود داشته باشد، بدهکار این امکان را دارد که شخصی را برای بر عهده گرفتن مأموریت به‌عنوان میانجی پیشنهاد کند یا با انتخاب صورت گرفته توسط رییس دادگاه مخالفت نماید و تبعاً دادگاه به این مخالفت رسیدگی نموده و در صورتی که آن را موجه ببیند ترتیب اثر خواهد داد و میانجی را تغییر می‌دهد.

باید بیان گردد که شروع سازش نیاز به تقدیم اطلاعات دقیق بدهکار به رییس دادگاه را دارد (به‌عنوان مثال: فهرست طلبکاران اصلی، خلاصه‌ای از تمامی بدهی‌ها، پول نقد و دارایی‌های معادل نقد) و همه این اطلاعات توسط رییس دادگاه در اختیار میانجی قرار داده می‌شود [۱۸].

مأموریت میانجی این است که یک قرار مصالحه میان بدهکار، طلبکاران اصلی و به‌صورت موردی شرکا قانونی بدهکار (نه لزوماً طلبکاران) برقرار سازد که مشکلات مالی بدهکار را اصلاح نماید. همان‌طور که بیان شد، شرکت همه طلبکاران در مذاکرات ضروری نیست و بدیهی است قرار مصالحه تنها بر امضاءکنندگان آن الزام‌آور خواهد بود. میانجی ممکن است هر پیشنهادی را برای نجات بدهکار، تداوم عملیات کسب‌وکار و حفظ شغل وی از قبیل افزایش سرمایه، تجدید ساختار، صدور اوراق بهادار جدید و غیره را تدوین نماید. در عمل موفقیت اجرای فرآیند مذکور تا حد زیادی به اعتبار، صلاحیت و کیفیت میانجی (مهارت‌های دیپلماتیکی و مذاکراتی او) و به آن اعتمادی که میان میانجی و مدیریت بدهکار ایجاد شده است بستگی دارد.

۱. حالت ورشکستگی توسط قانون‌گذار فرانسوی به‌عنوان مرحله‌ای تعریف شده است که بدهکار دیگر توان پرداخت تعهدات خود را که به‌صورت بدهی درآمده‌اند و قابل پرداخت می‌باشند را ندارد، چه به‌صورت نقدی باشد و یا معادل پول نقد. تا زمانی که این وضعیت حاصل نشده باشد، بدهکار می‌تواند اقدامات پیشگیرانه مورد بحث را آغاز نماید.

توضیحات تکمیلی روش. همانطور که بیان شد سازش فرآیندی محدود است و حداکثر دوره زمانی آن (به استثنای زمان سپری شده توسط دادگاه برای صدور تأییدیه) چهار ماه است که این زمان به مدت یک ماه بنا به درخواست میانجی قابل تمدید است که در این زمان میانجی باهدف تأکید بر بازسازی شرکت از طریق توافق با بستانکاران اصلی است، اقدام می‌نماید.

با درخواست بدهکار، به موجب ماده ۱-۱۲۴۴ تا ۳-۱۲۴۴ قانون مدنی فرانسه دادگاه پس از مشورت با میانجی و با در نظر گرفتن مشکلات مالی بدهکار و نیازهای واقعی طلبکاران می‌تواند در مدتی که سازش در جریان است، پرداخت اقساط را تمدید نموده و یا سررسید بدهی‌ها را حداکثر تا دو سال به تعویق انداخته و هرگونه مجازات دیرکرد یا افزایش نرخ بهره در طول مدت‌زمان تعیین شده را متوقف سازد. از سوی دیگر محکمه می‌تواند تصمیم مذکور را مشروط به اعمال خاص بدهکار، به منظور تسهیل یا تضمین پرداخت بدهی‌اش نماید. واضح است که مطالبات طلبکاران امضاءکننده قرار سازش در طول دوره سازش هرچند معلق می‌شود، لیکن به قوت خود باقی است.

در راستای حمایت و تشویق بدهکار، ممکن است به محض دریافت اطلاعات جزئی از بدهکار یا میانجی، طلبکاران عمومی (مانند بخش مالیات و مقامات تأمین اجتماعی) در یک اقدام حمایتی برای دستیابی به قرار سازش، به بخشودگی قسمتی از بدهی‌ها رضایت دهند. لغو این بدهی‌ها طبق اولویت زیر انجام می‌شود:

هزینه‌های اجرایی قضایی، جریمه‌ها، سودها، بهره‌ها و در نهایت بدهی اصلی.

پس از توضیحات فوق بیان می‌گردد، همانطور که پیش‌تر اشاره شد قرار سازش باید به تأیید دادگاه برسد و برای تأیید (تصویب) آن توسط دادگاه سه شرط زیر باید تأمین شود:^۱

الف. بدهکار به حالت ورشکستگی نرسیده باشد؛ (اگر در فرآیند سازش به حالت ورشکستگی رسید قرار سازش در آن مرحله پایان می‌یابد)

ب. دادگاه از تداوم عملیات کسب‌وکار بدهکار مطمئن باشد.

ج. بهره‌های طلبکاران غیر شرکت‌کننده نباید در اثر (خواسته یا ناخواسته) حاصل از قرار سازش، تحت تأثیر قرار گیرد.

پس از تأیید دادگاه، باید اطلاعاتی کافی برای گروه‌های غیر شرکت‌کننده (مانند بستانکاران تجاری، شرکت‌های بیمه اعتباری) از زمان و شرایط قرار سازش به منظور ارزیابی میزان حمایت مالی

۱. هیچ دوره زمانی برای درخواست تأییدیه از دادگاه و صدور تأیید یا عدم‌تأیید دادگاه در قانون قید نشده است. در عمل این دوره زمانی می‌تواند با توجه به نیاز به شنیدن حرف‌های ذی‌نفعان مختلف از جمله شورای کار و غیره بسیار طولانی باشد.

اعطاشده به بدهکار، منتشر شود. همچنین، باید یک رونوشتی از تأییدیه قرار به حسابرسان خارجی (در صورت وجود)، ارسال گردد.

نتیجه اقدام. این اقدام نیز ممکن است به یکی از سه صورت زیر منتهی گردد:

یا به یک توافقی دست یابند، که خود دو حالت دارد؛ یا دادگاه آن را تأیید نموده که اجرا می‌گردد و یا تأیید نمی‌نماید که فاقد اثر خواهد بود و یا توافق با شکست مواجه گردد؛ که ممکن است قبل از حصول نهایی سازش این امر اتفاق افتد و یا بعد از سازش، توافق توسط یکی از طرفین نقض گردد. در این حالت میانجی گزارشی را مبنی بر خاتمه سازش به دادگاه ارسال خواهد کرد^۱. لازم به ذکر است که به‌خودی‌خود توقف یا خاتمه قرار سازش منجر به ورشکستگی نمی‌شود.

پایان فرآیند

خاتمه. در نتیجه باید گفت: فرآیند بازسازی می‌کوشد به شرکت اجازه دهد تا به فعالیت‌هایش در طول زمان سازمان‌دهی مجدد ادامه دهد. پس از گذراندن دوره نظارت که شرکت بدهکار به فعالیت‌هایش ادامه می‌دهد و تعهدات مشخصی نیز برای بستانکاران تعیین شده است، دادگاه تصمیم نهایی را در مورد شرکت خواهد گرفت که این تصمیم یا بازسازی خواهد بود یا اگر سازمان‌دهی مجدد شرکت مقدور نباشد رأی به انحلال آن می‌دهند. فعالیت‌های شرکت تحت مدیریت سابق آن ادامه پیدا خواهد کرد اما ممکن است دادگاه تغییراتی را در شرایط سهامداری شرکت اعمال نماید تا از این طریق به سهامداران جدید اجازه ورود داده شود.

دستور انحلال. دستور انحلال بلافاصله پس از توقف تمامی فعالیت‌ها توسط بدهکار یا زمانی که بازسازی غیرممکن باشد، توسط دادگاه صادر و اجرا می‌شود. در این وضعیت، از انجام کار مدیر شرکت ممانعت به‌عمل آمده و از طریق فروش دارایی‌های شرکت بدهی بستانکاران را پرداخت خواهد شد.

1. Roland Montfort, ibid.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه، از نوع مطالعات کتابخانه‌ای است که با توجه به ماهیت تحقیق، بررسی و مطالعه اسناد و مدارک، سوابق و گزارش‌های سازمانی منبع جمع‌آوری اطلاعات موردبررسی است. این مطالعه برای بیان لزوم آشنایی مسئولان و مقنن در مورد چگونگی پیشگیری از ورشکستگی شرکت‌های در شرف ورشکستگی، از راهکارهای پیش‌بینی‌شده در مقررات کشور فرانسه در این زمینه برای تبیین اهمیت مسئله و فواید حاصله در صورت تصویب و اعمال آن در ایران استفاده نموده است. در این پژوهش آمارهای مربوط به ورشکستگی فرانسه از سایت <http://fa.tradingeconomics.com/countries> استخراج شده است. اطلاعات مربوط به طرح‌های انجام‌شده و سازماندهی‌های مجدد صورت گرفته نیز از گزارش منتشرشده در سال ۲۰۱۴ توسط کمیسیون اروپا استفاده شده است. روش انجام این تحقیق نیز روشی تحلیلی-توصیفی است.

۴. تحلیل یافته‌ها

با توجه به تبیین مبانی تحقیق در مقررات فرانسه و نیز لایحه تجارت ایران، جهت حصول نتیجه مبنی بر لزوم تصویب این دسته از مقررات در نظام حقوقی ایران توسط مقنن، این بخش در راستای تحلیل یافته‌های تحقیق، به‌طور موردی به ارائه آمارهای حاصل از تجربه کشور فرانسه در خصوص استفاده از راهکارهای قانونی در مورد جلوگیری از ورشکستگی پرداخته است. جدول شماره (۱) آمارهای مربوط به ورشکستگی فرانسه و شرکت‌های شرکت‌کننده در طرح را طی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۶ به تفکیک شرکت‌های موفق شده که توانسته‌اند از ورشکستگی نجات یابند، شرکت‌هایی که با فروش مالکیت خود از ورشکستگی نجات یافته‌اند و شرکت‌هایی که درنهایت با عدم موفقیت روبه‌رو شده و منحل شده‌اند را نشان می‌دهد. همان‌طور که این جدول نشان می‌دهد روند ورشکستگی این کشور به رغم افت‌وخیز در برخی از سال‌ها و درحالی‌که بیشترین میزان خود را در سال ۲۰۰۹ تجربه نموده است، در مجموع تغییر چندانی نداشته و روند باثباتی را تجربه نموده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

جدول ۱. تجربه فرانسه در مورد استفاده از وضع و اعمال مقررات در خصوص جلوگیری از ورشکستگی

		سال						
		۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶
مجموع شرکت‌های ورشکسته ^۱		۴۶۵۹	۴۶۱۸	۴۸۴۳	۵۵۲۲	۴۵۵۱	۴۵۱۹	۴۸۴۶
شرکت‌کننده در طرح سازمان‌دهی مجدد		۴۱۳۰	۴۵۷۵	۴۳۶۷	۳۴۵۸	۳۳۳۶	۳۱۸۸	۳۴۶۶
تعداد		۳۲۳۰	۳۷۷۵	۳۶۷۱	۲۴۰۹	۱۸۶۰	۲۰۷۷	۲۵۶۵
درصد		۷۸/۲	۸۲/۵	۸۴/۱	۶۹/۷	۵۵/۸	۶۵/۲	۷۴/۰
فروش رفته		۱۲۵	۲۵	۱۰۰	۹۸۱	۸۹۲	۹۸۹	۷۱۶
منحل شده		۷۷۵	۷۷۵	۵۹۶	۶۸	۵۸۴	۱۲۲	۱۸۵
مجموع		۹۰۰	۸۰۰	۶۹۶	۱۰۴۹	۱۴۷۶	۱۱۱۱	۹۰۱
درصد		۲۱/۸	۱۷/۵	۱۵/۹	۳۰/۳	۴۴/۲	۳۴/۸	۲۶/۰

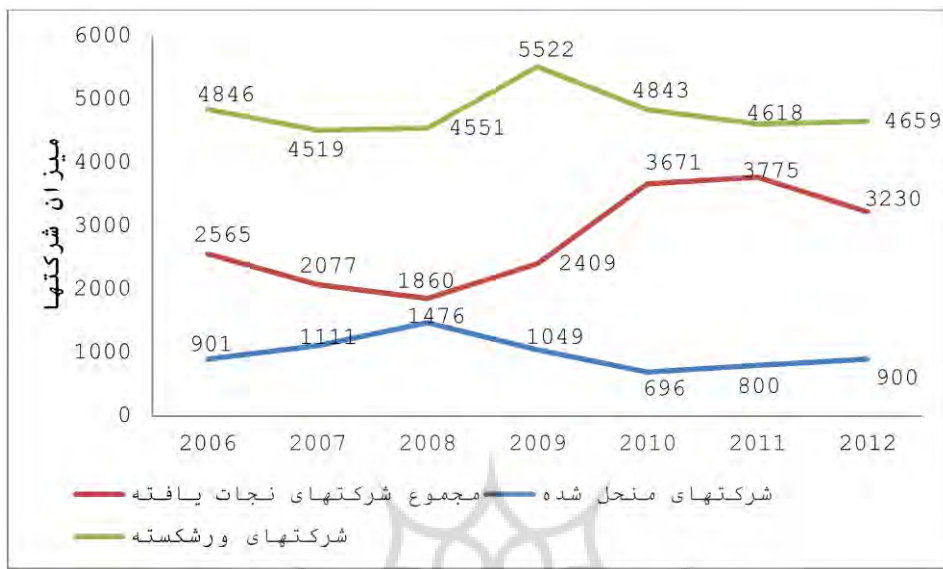
۱. منبع: <http://fa.tradingeconomics.com/countries>

منبع: گزارش منتشرشده توسط کمیسیون اروپا، ۲۰۱۴

با توجه به آنچه در این جدول نشان داده شده است، شرکت‌های ناموفق در طرح، خود شامل دو گروه هستند که یک گروه در نهایت منحل شده و گروه دیگر، تنها با فروش مالکیت توانسته است از ورشکستگی نجات یابند. این در حالی است که سایر شرکت‌ها به‌عنوان شرکت‌های موفق قلمداد می‌شوند. با توجه به آمارهای نشان داده شده در این جدول شرکت‌های موفق در طی سال‌های مورد بررسی بیش از ۶۰ درصد از کل شرکت‌های شرکت‌کننده را به خود اختصاص داده‌اند که درصد قابل توجهی به شمار می‌رود. حتی در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ این درصد به بیش از ۸۰ درصد نیز افزایش یافته است. از این‌رو، پاسخ به این سؤال که در صورت عدم اجرای این طرح، سرنوشت این شرکت‌های موفق نیز همانند شرکت‌های ورشکسته رقم می‌خورد یا نه نیز قابل تأمل است.

نمودار شماره (۱) تعداد شرکت‌های ورشکسته فرانسه، شرکت‌های موفق شده در اثر طرح حمایتی انجام‌شده و شرکت‌های منحل شده را نمایش می‌دهد. همان‌طور که این نمودار به‌خوبی نشان می‌دهد، تعداد شرکت‌های ورشکسته در برخی از سال‌ها (۲۰۰۹-۲۰۰۶) بیش از دو برابر شرکت‌هایی است که تحت حمایت‌های مورد بحث از ورشکستگی نجات یافته‌اند. از این‌رو، چنانچه در مورد

شرکت‌های مورد بررسی نیز این طرح انجام نمی‌شد تعداد قابل توجهی به شرکت‌های ورشکسته افزوده می‌شد. موضوعی که از آن می‌توان به اهمیت و موفقیت طرح‌های حمایتی نام برد^۱.



نمودار ۱. نمایش شرکت‌های موفق شده در اثر طرح بازسازی و شرکت‌های منحل شده

با توجه به آنچه در این بخش ارائه شده است، تجربه فرانسه بیانگر این است که با استفاده از وضع و اعمال قواعدی جهت جلوگیری از ورشکستگی شرکت‌های بحران‌زده، بسیاری از شرکت‌های در شرف ورشکستگی توانسته‌اند به فعالیت خود ادامه دهند، این در حالی است که در غیر این صورت و با عدم وجود این دسته از مقررات، شرکت‌های مورد مطالعه دچار سردرگمی شده و تعداد شرکت‌های ورشکسته به تعداد قابل توجهی افزایش می‌یافت؛ بنابراین، پیشنهاد می‌گردد تا این تجربه در ایران نیز سرلوحه کار متصدیان امر به‌طور جدی قرار گیرد.

^۱ لازم به یادآوری است که منبع دستیابی به آمار شرکت‌های ورشکسته و آمار شرکت‌های شرکت‌کننده در طرح بازسازی متفاوت بوده است، از این‌رو، احتمال می‌رود که تعداد شرکت‌های ورشکسته، شرکت‌های منحل شده را نیز در برمی‌گیرد.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

لایحه تجارت حاصل تلاش سه‌ساله مستمر کارشناسان بوده، لیکن شایسته‌تر بود که به‌جای آنکه به تدوین قانون مستقل پرداخته شود، در جهت اصلاح برخی از مواد قانون تجارت فعلی تلاش گردد تا با اصلاح موادی از قانون که متناسب با شرایط روز و اوضاع و احوال و تحولات اقتصاد جهانی نمی‌باشند، ضمن تحصیل مقصود، خود را در ورطه تدوین مجموعه قانون نمی‌انداختند که حقا کار بسیار مشکلی است و تجربه نیز نشان داده که ورود در این عرصه، ممکن است سبب سردرگمی و خسران مردم و دست‌اندرکاران گردد. فارغ از این مطلب، لایحه تجارت مصوب ۱۳۸۴ هیئت دولت با پیش‌بینی مناسب راهکارهایی برای جلوگیری از ورشکستگی شرکت‌های در شرف ورشکستگی در قالب بازسازی، گام شایسته‌ای در راستای تحقق این مهم برداشته بود که متأسفانه با تغییراتی کلی که در سال ۱۳۹۱ اعمال شد، مواد مربوط به این موضوع حذف گردید، درحالی‌که اصلاح و تجدیدنظر مواد مربوط به مبحث ورشکستگی و افزودن قواعدی در خصوص جلوگیری از ورشکسته شدن شرکت‌های بحران‌زده‌ای که قابلیت زندگی در عرصه تجارت را کماکان دارا هستند، به‌منظور جلوگیری از تبعات منفی ورشکستگی ضروری می‌نماید و حذف این مواد قابل توجیه نیست. در حقوق فرانسه نیز همان‌طور که گذشت به‌منظور جلوگیری از ورشکستگی شرکت‌هایی که امکان ادامه فعالیت‌های اقتصادی را دارند، راهکارهایی را مقرر نموده است و امکان قانونی جلوگیری از ورشکستگی را برای آن‌ها قائل شده است و آمارهای ارائه شده از این کشور نمایان ساخت که اعمال این دسته از مقررات تا چه اندازه سبب پیشگیری از ورشکستگی گردیده است که درنهایت، نظر به‌ضرورت و اهمیت موضوع، به مقنن محترم پیشنهاد می‌شود که ضمن توجه ویژه به مباحث مذکور، در راستای تدوین مقرراتی در این خصوص گام جدی بردارد.

پیشنهاد برای تحقیقات آینده. موضوع ورشکستگی ابعاد مختلفی دارد که می‌تواند مورد بررسی محققان محترم قرار گیرد، لیکن با توجه به موضوع این پژوهش زمینه‌هایی از تحقیق که مرتبط است با این مطالعه جهت تحقیق به پژوهشگران محترم پیشنهاد می‌گردد که از جمله آن می‌توان به موضوع بررسی آثار ورشکستگی در حقوق ایران و تبیین عدم جلوگیری از ورشکسته شدن شرکت‌های قابل احیاء در صنایع مختلف اشاره نمود.

منابع

۱. دیانکوف، سمون و مکلیش، کارالی (۱۳۸۶). *فضای کسب‌وکار در سال ۲۰۰۶ (ایجاد فرصت‌های شغلی)*، ترجمه جعفر خیرخواهان، مرکز پژوهش‌های مجلس، چاپ اول، ص ۱۶۵.
۲. محقق کرکی، جامع المقاصد فی شرح قواعد الاحکام، ج ۵، موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث، قم: بی‌تا، صص ۲۲۳-۲۲۲.
۳. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲). *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۲۵، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ق، صص ۲۷۹-۲۷۷.
۴. فصل نهم قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.
۵. قانون تجارت ایران.
۶. قانون تجارت عادلانه تایوان (به زبان انگلیسی).
۷. قانون تجارت فرانسه (به زبان انگلیسی).
۸. قانون قواعد انحصار و تجارت منصفانه ژاپن (به زبان انگلیسی).
۹. قانون مدنی فرانسه (به زبان انگلیسی).
۱۰. قانون مربوط به مقابله با اقدامات انحصاری لهستان (به زبان انگلیسی).
۱۱. قانون ممنوعیت اقدامات انحصارطلبانه و رقابت تجاری غیرمنصفانه اندونزی (به زبان انگلیسی).
۱۲. گزارش منتشرشده در سال ۲۰۱۴ توسط کمیسیون اروپا.
۱۳. لایحه تجارت مصوب ۱۳۸۴ و ۱۳۹۱.
۱۴. مقررات حمایت از رقابت در بازار ایتالیا (به زبان انگلیسی).
15. Bayle, M. (2007). *Insolvency Law in France*, Limoges University.
16. Bernstein's Dictionary of Bankruptcy Terminology, published by Bernstein Law Firm, P.C, Suite 2200 Gulf Tower, Pittsburgh, PA 15219.
17. Gerhardt, M (2009). Consumer Bankruptcy Regimes, and Credit Default in the US and Europe, (A comparative study) CEPS Working Document No. 318/July, (<http://www.ceps.eu>), © Centre for European Policy Studies.
18. Montfort, R. (2009). Out-of-court settlement in France: the conciliation *Morgan Lewis & Bockius LLP New Letter*, France.
19. Omar P. (2011). Pre-Packs à la française and Cross-Channel Influences, Eurofenix.
20. Pannen, K. (2011). *European Incolvency Regulation*, De Gruyter.
21. Philippe Deloitte & Touche & Partners (2002). in Collaboration with Deloitte & Touche Corporate Finance, The Study, Necessary For the Drafting Of the Report, has been conducted by the following experts in insolvency law: partner in France law: Stéphanie Chatelon, Deloitte & Touche Juridique et Fiscal; Guillaume Cornu, (<http://ec.europa.eu/enterprise>), July 2002.
22. Pual J.Omar (2008). *International Insolvency Law: Themes and perspectives*, Ashgate Publishing Company, 105.
23. Sergei A., Davydenko, Julian R.& Franks (2008). Do Bankruptcy Codes Matter? A Study of Defaults in France, *The Journal of Finance* Vol. LXIII (2)., Germany, and the U.K.